

کارگران لاستیک البرز، ادامه سرگردانی و تعویق ۷ ماهه دستمزدها

کمیته هماهنگی

شنبه بیست هشتم دی ۱۳۸۷

حاصل دو سال مبارزات مداوم کارگران لاستیک البرز و جنگ و ستیزهای متنوع آنان با صاحبان سرمایه و دولت سرمایه داری آن شد که مالکیت کارخانه عجلتاً از بخش خصوصی به دولتی واگذار شود!! این پاسخی بود که سرمایه در مقابل اعتراضات گسترده و خیزش های پرشور کارگران نهاد تا از این طریق آتش خشم و عصیان و پیکار روز آنان را کنترل نماید. این پاسخ زمانی داده شد که سرمایه داران قبلی بسیار نقشه مند و برنامه ریزی شده در پرتو حمایت های بی دریغ دولت خویش به همه انتظارات و رؤیاهای شیرین سرمایه اندوزانه خود دست یافته بودند. آنان در طول سالیان دراز توده عظیم کارگر را با حداکثر شقاوت و شدت استثمار می کردند، دنیای حاصل کار و استثمار این توده وسیع بردگان مزدی را به طور بی امان به سرمایه های عظیم تر و عظیم تر خویش مبدل می ساختند، با مشاهده حوزه های پرسودتر انباشت، در همدستی سازمان یافته با دولتمردان و نهادهای نظم سرمایه تمامی این سرمایه ها را به عرصه های دلخواه منتقل می نمودند. مراسم برگزاری جشن افتتاح کارخانه عظیم تولید لاستیک در کشور چین را با میمنت و مبارکی و به کوری چشم چند هزار کارگر گرسنه فرسوده از فشار استثمار در پشت سر نهاده بودند. از فتوحات درخشان خویش در برنامه ریزی مشترک با دولت سرمایه برای فروش تولیدات کارخانه جدیدشان در بازار داخلی کشور نیز به اندازه کافی احساس پیروزی و سرمستی می کردند. در یک کلام سرمایه داران لاستیک البرز به همه رؤیاهای و انتظارات خود به اندازه کافی رسیده بودند و اینک دولت سرمایه داری باید آخرین گام را نیز برای تکمیل همه پیروزی های آنان بر می داشت. صدور برگ ترخیص صاحبان سرمایه از شر مبارزه طبقاتی توده های کارگر محتوای عینی این گام بود و انتقال مالکیت کارخانه از دست آنان به بخش دولتی کارسازترین راهی بود که این هدف را محقق می ساخت.

به دنبال همه این رویدادها و سیر مبارزات دو ساله کارگران، بالاخره یک هیأت مدیره دولتی برای کارخانه تعیین شد و امامزاده جدید وعده داد که پس از چند ماه تعطیلی در روز ۲۱ دی ماه شرکت را افتتاح خواهد کرد. کارگران در این روز همگی در محل کارخانه حاضر گشتند، اما پاسخ مدیرعامل جدید این بود که باید باز هم صبر کرد. اینکه آیا روند جدیدی از همان وعده بافی ها، دروغ پردازی ها و آفرینش انتظارات کاذب با برنامه ریزی مستقیم دولت سرمایه برای غلبه بر موج خشم کارگران آغاز شده است یا اینکه دسیسه های نوینی باز هم برای تحقق همین هدف در کار است یا هر احتمال دیگری ظاهراً برای یافتن پاسخ باید مجدداً چند روز صبر کرد. اما این پاسخ هر چه می خواهد باشد یک چیز از پیش روشن است. اینکه مشکلات کارگران لاستیک البرز به هر حال و به طور قطع در هیچ سطحی دچار هیچ کاهش جدی نشده است. مدیرعامل جدید همین الان اعلام داشته است که قرار است مواد اولیه و مصالح مورد نیاز روند تولید را برای ۲ ماه فراهم سازد. فراموش نکنیم که او اولاً این حرف را برای خاموش ساختن

شعله اعتراض کارگران می زند، ثانیاً در مورد تهیه مواد خام حتی نه از آمادگی آن برای دو ماه بلکه از احتمال رسیدن آن سخن می گوید، ثالثاً با فرض صحت تمامی این ها بنا به قول عرب زبانان «ثم ماذا»؟ (بعدش چی) سرمایه داران قبلی هم به کرات از تهیه مواد اولیه برای دو ماه سخن گفتند، آنان هم هر روز در برابر طغیان خشم کارگران وعده رتق و فتق کارها را دادند. پاسخ کارفرمایان یا دولت سرمایه با توجه به همه قرائن و شواهد چیزی نیست که تداوم اشتغال کارگران برای مدت زیادی را تضمین نماید. از این که بگذریم تا امروز ۷ ماه است که هیچ کارگر این کارخانه هیچ ریالی دستمزد دریافت نکرده است! آیا دولت سرمایه داری قادر به پرداخت دستمزدهای ۷ ماهه این کارگران نمی باشد؟! آیا پرداخت حقوق معوقه ۷ ماهه هم در گرو گشایش کارخانه و رسیدن مواد اولیه یا سایر تغییرات می باشد؟؟!!

در هر حال همه چیز با صدای رسا فریاد می زند که مشکلات پیشین کماکان بر سر جای خود باقی هستند. تضمین اشتغال کارگران اصلاً تأمین نشده است و تعویق حقوق ها به سیاق گذشته و حتی طولانی تر ادامه دارد. با این حال نباید از یاد برد که مبارزات دو ساله کارگران به طور قطع دستاوردهای قابل توجهی نیز داشته است. همین که آنان دولت سرمایه داری را مجبور ساخته اند تا در قبال عصیان و جنگ و ستیز و خیزش های خشم آلودشان، سخت به دست و پا افتد و از این دسیسه به آن دسیسه بگریزد، خود یک دستاورد است. این امر بسیار خوب و عریان ثابت می کند که سرمایه داران و دولت آن ها به رغم دنیای بیکران قدرت و سازمان یافتگی، ارتش، پلیس، بسیج و سایر قوای سرکوب، زرادخانه های عظیم نظامی و تسلیحاتی، پشتوانه طبقاتی بین المللی و همه چیز خود باز هم از هر مقدار اعمال قدرت و پیکار کارگران بیشتری وحشت را احساس می کنند. مقاومت و سرسختی کارگران در ادامه مبارزه، رویارویی متحد با نیروی قهر و سرکوب، تحمل دستگیری ها و زندانی شدن ها، اتخاذ راهکارهای متفاوت نمایش قدرت مانند راهبندان ها، بسیج افکار عمومی، تدارک حضور فعال خانواده ها در راهپیمائی ها و تحصن ها و اجتماع رو به روی زندان و مانند این ها به طور واقعی دولت سرمایه را مجبور کرد که ظرفیت پیکار توده های کارگر البرز را لمس کند و در برابر آن به عقب نشینی هائی هر چند سراسر فریبکارانه و توطئه آمیز دست بزند. این یک واقعیت بسیار عریان است. از این گذشته، مبارزات ۲ ساله تجارب بسیار زیادی برای کارگران به همراه داشته است. در جهنم سرمایه داری ایران ابتدال و بیهودگی توسل کارگر به قانون و حقوق و دیوانسالاری نظم سرمایه یک امر بدیهی است اما سندیکالیسم زمخت ایرانی به ویژه در شرائط روز اصرار دارد که از طریق پاشیدن خاک در چشم کارگران بر روی این واقعیت پرده اندازد. کارگران لاستیک البرز در طول این مبارزات یک بار دیگر حقیقت همیشه زنده و در همه جا موجود بی اعتباری مبارزه قانونی و آویختن به دار دولت سرمایه داری را بسیار خوب اثبات کردند. لحظه به لحظه روند این ۲ سال پیکار گواه آشکار این حقیقت بود که اعمال قدرت متحد و دستجمعی در خارج از مدار ممانشات و مذاکره و قانون باقی تنها سلاحی است که کارگران می توانند با شلیک آن سرمایه داران و دولت را مجبور به عقب نشینی یا حداقل به دست و پا افتادن سازند. در طول این ۲ سال چند بار از زبان کارگران آگاه تر شنیده شد که در مقابل زور و قدرت سرمایه باید قدرت متحد کارگری را بسیج کرد و سازمان داد، چندین بار کارگران به طور دستجمعی فریاد زدند که اگر مطالبات ما محقق نشود، جنبش ما آماده قیام است. این ها همه دستاورد مبارزات این مدت است اما به نظر ما تمامی این دستاوردها هنگامی ترجمه زمینی کارساز خود را پیدا می کنند که

در جنگ و ستیزهای جاری و آتی کارگران به سلاح های بسیار برنده تر تبدیل گردند و در اتخاذ شیوه ها و راهکارهای مؤثرتر و کارا تر مبارزه علیه سرمایه و دولت سرمایه داری به کار گرفته شوند.

یک درس بسیار اساسی مبارزه دو ساله این است که اگر ما می توانیم با اعمال قدرت متحد خویش در سطحی محدود و در چهار دیواری یک کارخانه، یکی از خونریزترین دولت های سرمایه داری را مجبور به عقب نشینی سازیم پس با سازمانیابی متحدتر، آگاه تر و گسترده تر این قدرت، با توسل به نیروی پیکار توده های هر چه بیشتر و عظیم تری از طبقه خود، با هر چه سراسری نمودن پیکار حول تحقق مطالبات خویش می توانیم عقب نشینی های بسیار سهمگین تر و عظیم تری را بر صاحبان سرمایه و دولت آن ها و بر کل نظام سرمایه داری تحمیل کنیم. روند مبارزات دو ساله کارگران لاسیتیک البرز عملاً و به دور از هر نوع لفظ پردازی به بسیاری از سوالات و ابهامات و ایرادگیری های رایج سندیکالیستی نیز پاسخ شفاف داده است. اگر ما می توانیم دولت سرمایه را زیر فشار قرار دهیم و او را واردار کنیم که تهیه مواد اولیه مورد نیاز روند کار کارخانه را به دوش گیرد، پس می توانیم همین دولت را مجبور نمائیم که مواد اولیه و مصالح تولید را به جای تحویل به هیأت مدیره منصوب خود به صورت کاملاً رایگان در اختیار شورای کارگری ما قرار دهد. اگر فشار قدرت مبارزه توده های طبقه ما قادر است دولتمردان سرمایه را به انتقال مالکیت کارخانه از بخش خصوصی به دولتی مجبور کند، با همین قدرت می توان همین دولت را مجبور ساخت که استیلای تام و تمام شورای کارگری ما بر برنامه ریزی کار و تولید را هم تحمل نماید. اگر تولیدات کارخانه مورد نیاز جامعه است پس ما از طریق شورای خویش بسیار بهتر می توانیم در شور و مشورت با همزنجیران مان در سراسر کشور چگونگی مصرف این تولیدات را برنامه ریزی نمائیم. مبارزات ۲ ساله ما نشان داده است که همه این کارها و حصول همه این موفقیت ها امکان دارد. مانع اساسی سر راه، نه غیرممکنی این امور بلکه فروماندگی بسیار زیانبار ما در شناخت قدرت و ظرفیت عظیم پیکار سازمانیافته و متحد طبقاتی مان علیه سرمایه است. ما باید بر این فروماندگی و احساس عجز و ضعف غلبه کنیم. این مهم ترین کاری است که باید انجام دهیم. مبارزات ما نباید در اینجا متوقف ماند، ما هنوز هیچ گره مهمی از مشکلات خویش را حل نکرده ایم. تمامی معضلات تا کنونی همچنان بر سر شرائط کار و زندگی ما خرابند. باید برای مبارزات بیشتر و خیزشی نیرومندتر آماده شویم. به نظر ما **تدارک تصرف کارخانه و به دست گرفتن برنامه ریزی کار و تولید همچنان تنها راهکاری است که می تواند بستر درست**

تمرکز قوای طبقاتی ما برای ادامه پیکار و اعمال قدرت واقعی مان علیه سرمایه و دولت سرمایه داری باشد. باید

در این راه گام برداریم زیرا در این گذرگاه است که همه اشکال تلاش و مبارزه و چاره اندیشی، محتوای زمینی ضد سرمایه داری پیدا می کند و طی هر گام آن امکان برپائی سنگری نیرومندتر را برای اعمال قدرت مؤثرتر و جنگ نیرومندتر علیه سرمایه در پیش روی ما قرار می دهد. **تدارک تصرف کارخانه یعنی اینکه:**

- شورای ضد سرمایه داری خویش را با مشارکت همه آحاد همزنجیران مان بر پای داریم.
- تک تک ما کارگران عضو شورا به راه افتیم و با سایر همسرنوشتان خویش در همه مراکز کار و تولید دیگر به گفتگو بنشینیم

- از توده عظیم چند میلیونی کارگران کارخانه های دیگر در معرض اخراج بخواهیم که آنان نیز بسان ما دست به تشکیل شوراهای ضد سرمایه داری خویش بزنند.

- همه شوراهای متشکل از همه کارگران در خطر اخراج و بیکارسازی از درون شوراهای ضد سرمایه داری خود دست در دست هم گذارند
- با تشکیل شوراهای ضد سرمایه داری کارگران کارخانه های در معرض تعطیل دست در دست هم به سراغ کل همزنجیران مان در نفت، برق، آب، حمل و نقل، مدارس، بیمارستانها، اتوموبیل سازی ها، لاستیک سازی ها، نساجی ها، کشت و صنعت ها، مزارع، فروشگاهها، پست و مخابرات، کشتی سازی ها و کل مراکز کار و تولید دیگر برویم.
- همه ما بردگان مزدی سرمایه علیه سرمایه متحد گردیم و قدرت پراکنده طبقاتی مان را از درون شوراهای ضد سرمایه داری خویش به قدرتی متحد و یکپارچه تبدیل کنیم.
- در متن این تلاش ها، مبارزات، همدلی ها و همصدائی ها قدرت لازم برای تصرف کارخانه ها را پیدا کنیم و هر میزان این قدرت متحد شورائی ضد سرمایه داری را برای تصرف این و آن کارخانه و همه مراکز کار و تولید در حال تعطیل به کار گیریم.
- با توسل به این مبارزه و این نیروی متشکل و متحد شورائی و ضد سرمایه داری، دولت سرمایه را مجبور سازیم تا کلیه مواد خام و وسائل نیم ساخته و همه مایحتاج روند کار و تولید کارخانه ها را به صورت کاملاً رایگان و بدون پرداخت هیچ ریالی در اختیار ما قرار دهد.
- همراه با مبارزه برای برپائی شوراهای ضد سرمایه داری توده های کارگر در همه مراکز کار و تولید و در روند این مبارزات و دستاوردهایش، چگونگی توزیع محصولات کار و تولیدمان را برنامه ریزی کنیم و این برنامه ریزی را به معرض اجراء گذاریم.
- از درون شوراهائی که بر پای می داریم و بر متن مبارزات روزمره خود آگاهی طبقاتی و ضد کار مزدی خویش را گام به گام بسط دهیم. شناخت شفاف واقعیت سرمایه داری، شناخت عمیق استثماری که می شویم، شناخت سرنوشت کار و تولید و محصول اجتماعی کارمان را سلاح آگاهی طبقاتی بیشتر و بیشتر طبقه مان علیه سرمایه داری سازیم.
- هر نوع کشمکش و جنگ و ستیز علیه دولت سرمایه داری را با مبارزه علیه استثمار و بی حقوقی و ستم سرمایه عجبین کنیم. همه چیز را از ورای مبارزه ضد سرمایه داری و برای نابودی نظام بردگی مزدی به پیش ببریم.
- مشت رسوای سندیکالیست ها را رسواتر سازیم و نقش فرمیست های سندیکاساز را در منحرف نمودن و به سازش کشاندن و به گورستان بردن مبارزات توده های طبقه مان افشاء کنیم، بر سر آن ها فریاد زنیم که خود را به کنار کشند، طوق عبودیت سرمایه را از دست و پای خود باز کنند و برای همیشه دست از سر جنبش طبقاتی و ضد سرمایه داری ما بردارند.
- تدارک تصرف کارخانه های در حال تعطیل یعنی پرداختن به همه امور بالا، یعنی سازمان دادن یک جنبش نیرومند ضد سرمایه داری، جنبشی که در همان حال، همراه با پیشروی در تمامی حوزه های یاد شده برای تحمیل مطالبات ضد سرمایه داری توده های طبقه کارگر بر نظام سرمایه داری پیکار می کند و به پیش می تازد. جنبشی که کل این جنگ و جدل ها را فقط و فقط بستری و ابزاری برای نیرومندتر کردن، سازمان یافته تر کردن، آگاه تر ساختن، افق

دار تر نمودن و کسب امکانات بیشتر برای اعمال قدرت مؤثرتر علیه سرمایه تلقی می کند. در دل این پیکار هر میزان توان متحد و متشکل موجود خود را برای تحمیل مطالبات روز توده های کارگر علیه سرمایه و سرمایه داران و دولت سرمایه داری به کار می گیرد و در همین راستا برای نابودی نهائی سرمایه به پیش می تازد.

هم زنجیران!

تدارک تصرف کارخانه های در حال تعطیل در گرو پرداختن به همه این اشکال مبارزه است. همه این ها فقط و فقط لحظه و لحظاتی از مبارزه ما علیه سرمایه اند، این کارها همان گونه که به کرات گفته ایم بسیار سخت است، اما راه دیگری در پیش نیست. همه راهها تجربه شده اند و همه و همه به شکست منتهی گردیده اند. گزینش این راه در مقابل راههای دیگر گزینشی میان هموارسازی راه زندگی در یک سوی و تسلیم شدن به مرگ و نابودی فاجعه بار حتمی در سوی دیگر است. یک چیز را فراموش نکنیم. اگر ما با سرمایه داری نجنگیم و نابودی سرمایه داری را دستور کار روز جنبش خود نکنیم، سرمایه داری بسان همیشه و آنچنان که سرشت اوست با ما خواهد جنگید و ساقط نمودن باز هم بیشتر و بیشتر و کوبنده تر ما از هستی را حتما به پیش خواهد برد. باید خطر کنیم، ما هیچ چیز نداریم که از دست دهیم. تا امروز به صورت مستمر مبارزه نموده ایم. مبارزه ما باید شورائی و سراسری و ضد سرمایه داری به پیش رود.

حول منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر متحد شویم

برای جلوگیری از بیکاری، کارخانه های در حال تعطیل را به تصرف خود در آوریم

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۲۸ دی ۱۳۸۷

<http://www.hamaahangi.com>

khbitkzs@gmail.com